

سوغنامه ارميا



سوغنامه ارمیا

اما ارمیا را نه.

تو آزاد هستی که ما به بابل بیايي.
من سفتان تو را که از جانب خدايت بودند شنیده‌ام و آنها به حقيقت پیوستند.
من تو با خود خواهم بود و تو در امان هستی.



پس به نزد بَدَلِیا در مِصفه برو.

او فرمانداری است که ما مسئولیت کسانی که هنوز در یهودا هستند را به او داده‌ایم.

نه. اقا به خاطر این لطفت از تو تشکر می‌کنم.



بعد از این، کتاب مراعات ارمیا برای شهر اورشليم نوشته شد.

"چون شهر تنها نشسته است، شهری که پیر از مردمان بود"

"شهری که یک ملکه بود اکنون یک برده شده است."



"دشمنان او اکنون رهبران شده‌اند."

"فرزندانش به کشورهای بیلتان تبعید شده‌اند."



"دشمنان دستشان را بر گنجینه‌هایش گذاشته‌اند."

"او ممکن خویش را ویران کرده و مکان ملاقات خود را نابود ساخته است."

"او به هر دو، کاهن و پادشاه پشت پا زد."



"من رنج و مصیبت دیده‌ام."

"من سرگردانی‌م را به
یاد می‌آورم و روح من
نتوان است."

"هنوز خاطرات من به
من امید می‌دهند."

"خداوند خشم و غضب خود را بر شهر ریخته است."

"خداوند، ما را به یاد بیاور، و رسوایی ما را بنظر."

خداوند، ما را به حال اول
برگردان و ما را نو کن."



"به دلیل محبت خداوند، ما زوال یافته نسیق."

"مردم برای همیشه توسط خداوند دور انداخته نشده‌اند."

خداوند، من تو را می‌خواندم،
از اعماق یک سیاه چال."



بعد از مدت کوتاهی، جدی به قتل رسید.

این جرقه خیلی آتش را بیشتر آراست کرد.



زمانی که من
نام تو را می‌خواندم تو
نزدیک می‌آمدی و می‌گفتی
"ترسان مباش."

ارمیا به مصیبت رفت تا با هموطنش زندگی کند.



مردم به نزد ارمیا برای یافتن سخنان آراست بخش می‌آمدند.

فرمانده می‌فرمایید ترسان
مباشید! در اینجا، شما را
فقط فواید کرد!
اما آنهایی که به
مهر فرار می‌کنند بوسیله
جنگ، گرسنگی و طاعون
فروهند مرد!

مردم به مصر گریختند.



آنها در مصر خلیج زود شروع به پرستش خدایان بیگانه کردند.

آیا شما فراموش کرده‌اید!

شما فدایان غیر را پرستیدید، ببینید چه بلایی بر سرتان آمده است؟

سرزمین ما به یک بیابان تویی تبدیل شد!

اکنون شما دقیقاً همان کار را اینجا انجام می‌دهید!



ارمیا، ما به این گوش نفواهییم کرد!

و ما از سوزندان بغور و دادن پیشکش به ملکه آسمان درست بر نفواهییم داشت!

من شما را باور دارم.



تو هم او ارمیا بود. نبوت گریزان.

او در دوران آشفتگی و شک و تردید زندگی می‌کرد.

امپراتوری‌ها به قدرت رسیدند و شکست خوردند. رهبران آمدند و رفتند.

اما ارمیا در مأموریتش و بیخاک تحسین‌پذیر خدا استوار ماند.



یهودا به بابل تسلیم شد، و هم چنین مصر، خانه پدری شما هم تسلیم خواهد شد!

همه‌ی مردم یهودا که اکنون در مصر زندگی می‌کنند باید هلاک گردند.

این یک نشانه برای تو خواهد بود: فرعون فُتَرع به دست سناریب تسلیم خواهد شد...

درست مثل صدقیابا...

